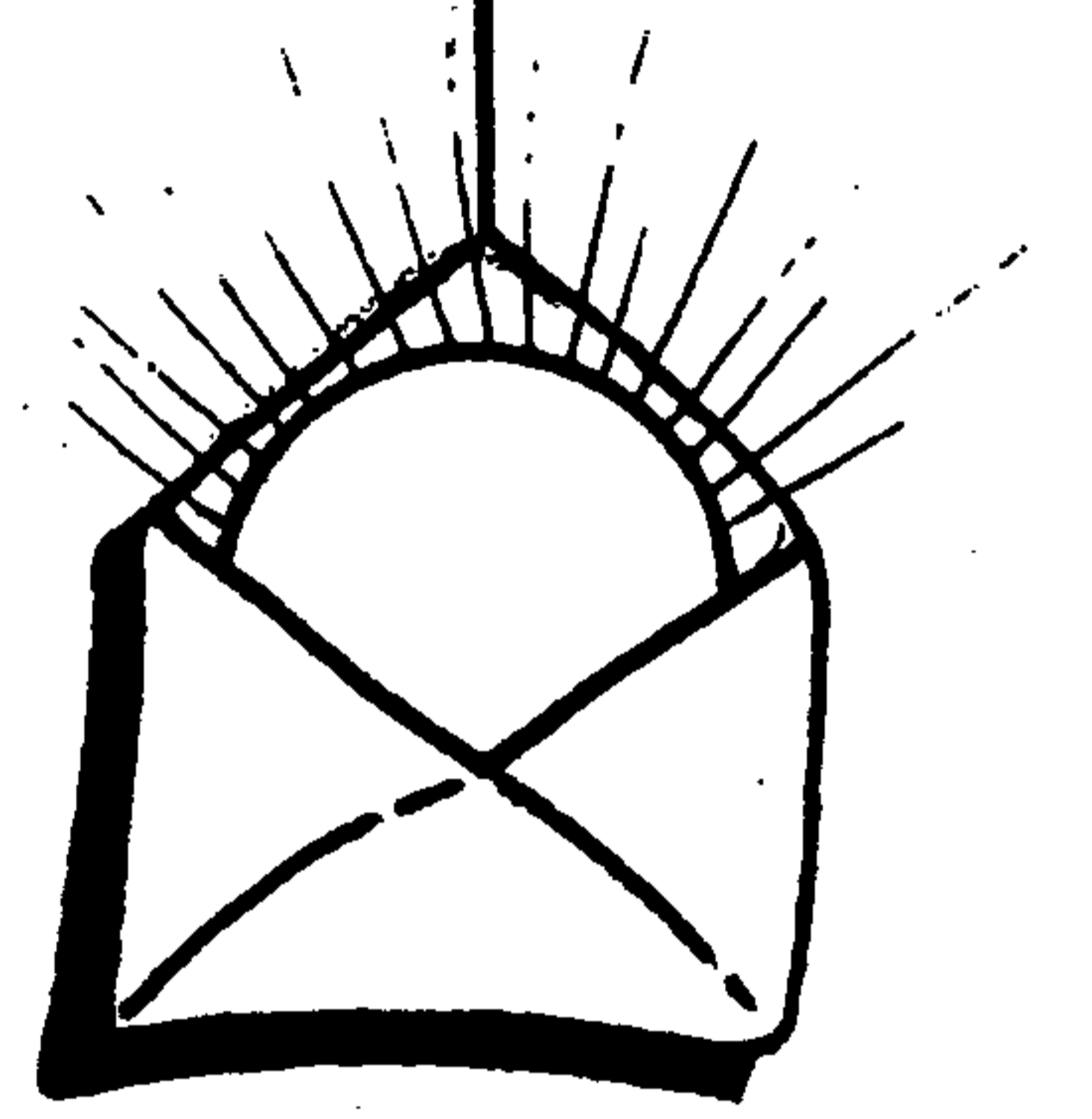
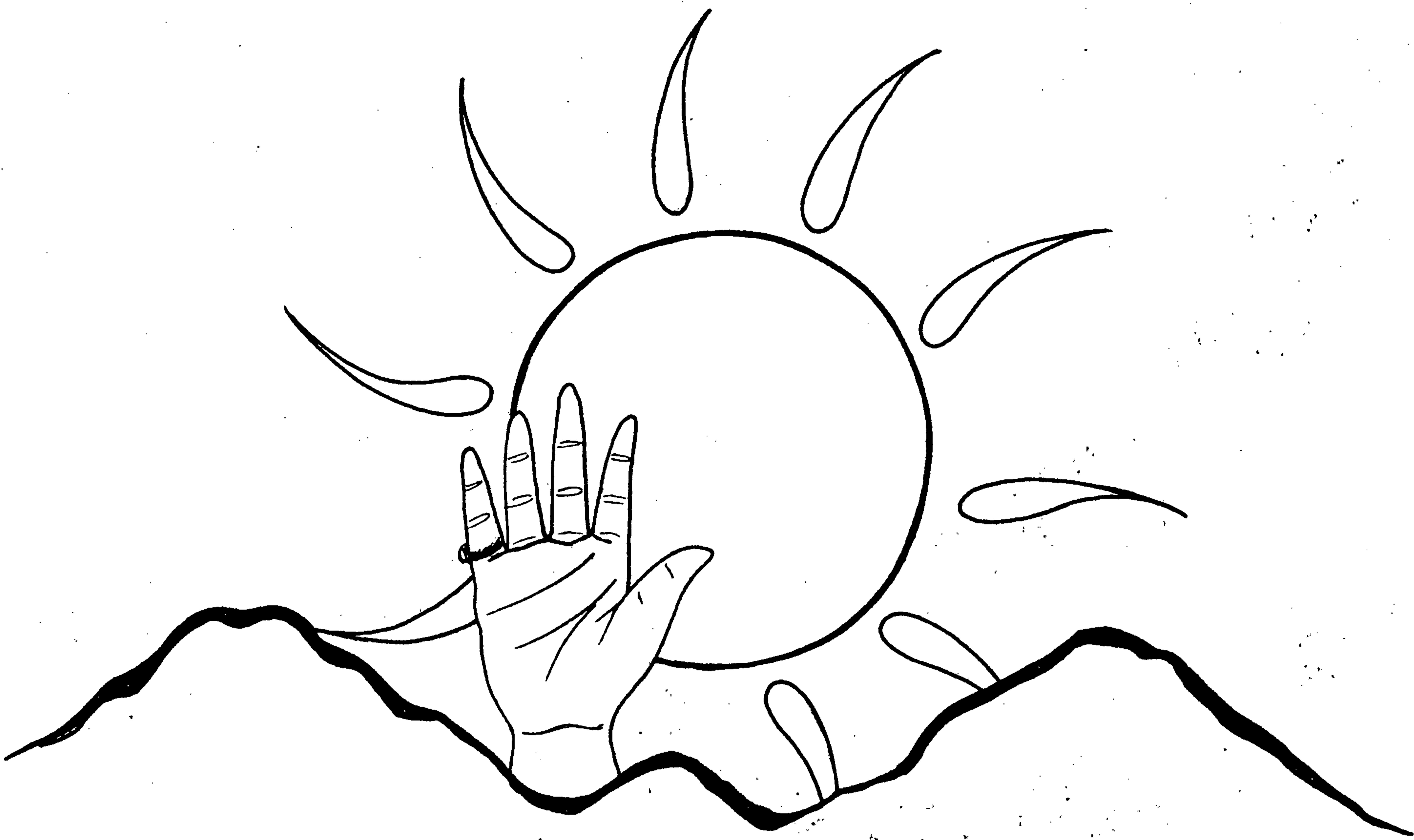




سرمقاله

تولد دوباره‌ی یک ملت



اينظر

۶

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

۱- انقلاب مبارک اسلامی ایران، آذرخشی در شبستان سرد و دیجور قرن، و چراغی فرا راه انسان معاصر در متن گمراهی‌ها و پلشتی‌ها بود.

انقلاب ما، دستاورد و آرزوی همه‌ی انبیا و اولیا، از آدم تا خاتم بود.

انقلاب ما، انفجار نوری بود که بر «طور» اندیشه‌ها تجلی کرد و «موسی خواهان» را در سراسر این کره‌ی خاکی، بیدار ساخت، و بارقه‌اش در دل دشمن، ترس و وحشت، و در دل دوست، شور و امید آفرید و خفته‌ها را بیدار و هوشیار ساخت.

انقلاب ما، رعدی برخاسته از طوفان طف بود که غرش تندر کوهساران را در پی داشت.

انقلاب ما، مظهر عشق و حماسه، ثار و ایثار، و در یک کلام، تولد دوباره‌ی یک ملت بود.

۲- انقلاب، ثمره‌ی بذری است که باغبانی آگاه، آن را به دل زمین می‌سپارد و در انتظار جوانه‌اش می‌نشیند و با زحمات طاقت فرسای خود از ابتدا تا به ثمر نشستن‌اش را زیر نظر می‌گیرد و آن را از آفت‌ها و آسیب‌ها در امان نگاه می‌دارد. تصویری که قرآن در آیه‌ی پایانی سوره‌ی فتح از رسول (صلی الله علیه و آله) و یاران‌اش ارائه می‌دهد، چنین است:

«... کزرع أخرج شطأه فازره فاستغلف فاستوی علی سوقه یُعجبُ الزرّاع لیغیظَ بهم

الکفار...»؛

... همچون کشته‌ای که جوانه‌اش را بیرون ریخته، قد کشیده، به غلظت و خشونت، به استقلال و برپای ایستادن رسیده است. این کشته با این رشد و استقلال، کشاورزان خود را دل شاد کرده و غیظ را در دل دشمن نشانده است.

۳. تشیع، حقیقت اسلام و رود سیال و جاری تاریخ اسلام است.^۱ تاریخ اسلام، بی تشیع، درخت آفت زده‌ای رامی ماند که قرن‌ها است خشکیده است.

این رود جاری و درخت تناور، در دستان پرتوان رسول (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت گرامی‌اش، تولد یافت و روید، و اگر نبودند امامان شیعه، این وارثان فرهنگ وحی و دست پروردگان و اصحاب آنان، از آن هیچ نشانی نبود.

انقلاب اسلامی ایران، ریشه در تاریخ تشیع، و تشیع، ریشه در حقیقت اسلام و رسول و علی و فاطمه و سجاد و صادق و عسکری و مهدی (علیهم السلام) دارد.

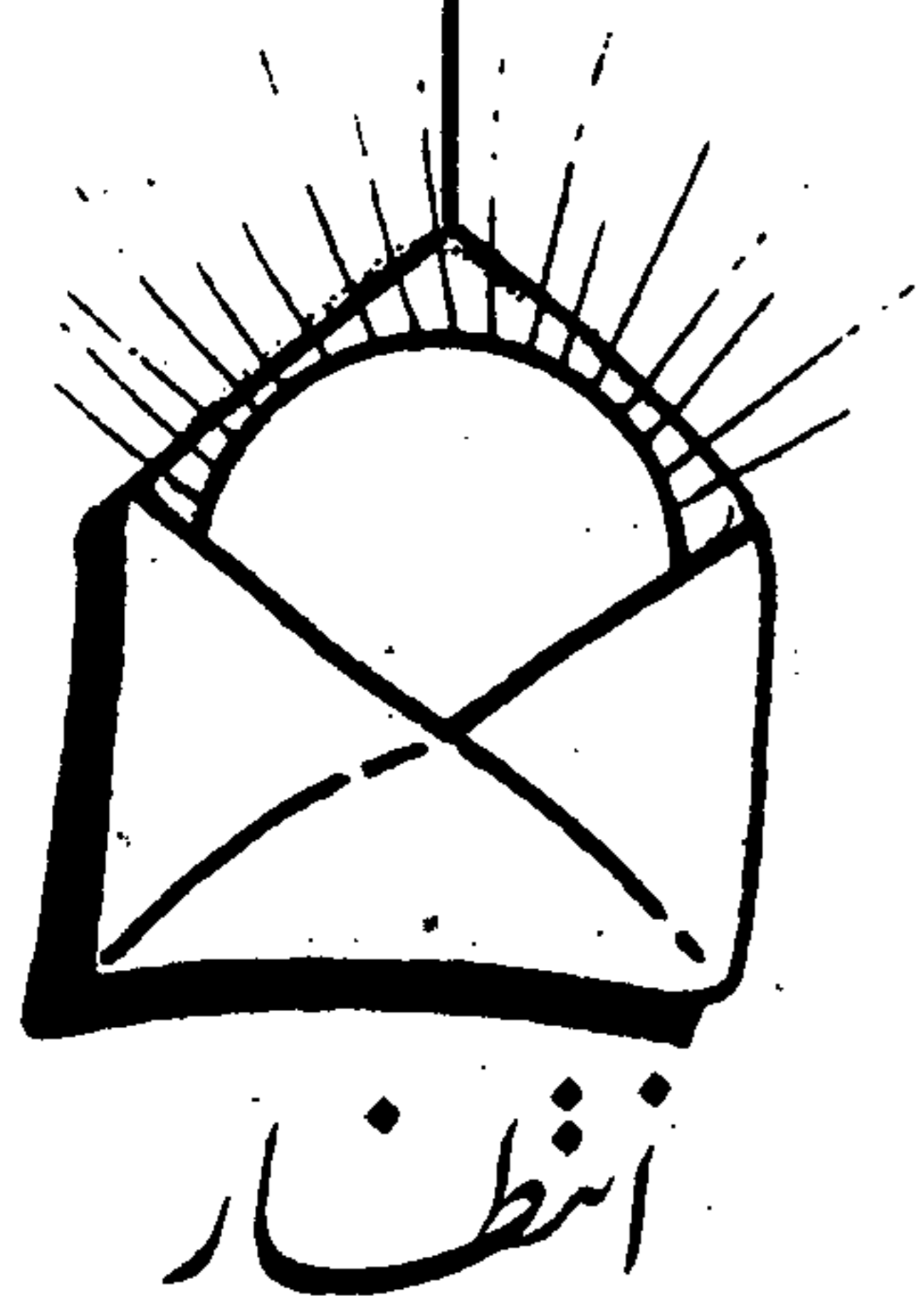
به گفته‌ی دکتر علی وردی (استاد جامعه شناس دانشگاه بغداد)، تشیع، آتشفشان خاموش کوهسار است که گاه و بی‌گاه، دود و بخار و لرزه و تکان اندکی پدید می‌آورد و همین تأثیر اندک، ریشه‌ی تمام انقلابات دنیای اسلام است.^۲

۴. شیعه، با اعتقاد به امامت گره خورده است، و با این طرح، راه خویش را در تاریخ آغاز کرده، و در این راه، رنج‌ها برده است، تا آن جا که به اعتراف برخی، آن قدر که در این راه شمشیر کشیده شده و جان فشانی شده است، در هیچ برهه‌ای از زمان و در مورد هیچ یک از دیگر آموزه‌های دین، شمشیر زده نشده و جان فشانی نشده است.

این اعتقاد و اهتمام، از آن جا برخاسته که آدمی، اهدافی بیش‌تر و بزرگ‌تر از آزادی و امنیت و رفاه و فراتر از محدوده‌ی دنیا دارد...

خدا، برای انسانی که در هستی طرح شده و با کل نظام رابطه دارد، جاکمی انتخاب کرده و در دست‌رس گذاشته است، و او را با ملاک عصمت، یعنی آگاهی و آزادی، همراه ساخته است تا در هر دوره، آنان که می‌خواهند، به پا خیزند و زمینه‌هایش را فراهم سازند.

امامت، طرح آنانی است که در زندان دنیا نمانده‌اند و انسان را در جایگاه خودش طرح کرده‌اند. امام، جلودار کسبانی است که جلوتر از زمان رامی خواهند. امام، بر اساس واقعیت‌هایی حکومت و رهبری می‌کند که هنوز علوم انسانی آن را کشف نکرده‌اند و جلوتر از علم و جلوتر



انتظار

۷

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

از زمان و آگاهی انسان است. از آن جا که چنین امامی، ضرورت دارد، پس وجود دارد و چنین امامی را تو باید کشف کنی و چنان امامتی را تو باید زمینه ساز باشی.^۴

این بینش و اعتقاد و این «ولایت مداری» - که از ناب ترین و مترقی ترین نظریات سیاسی و دینی است - مستلزم آثار فراوان و نتایج درخشانی است که از جمله ی آن ها حرکت های انقلابی و اصلاح طلبانه است.

مسئله ی امامت در شیعه، همواره، تهدیدی نسبت به قدرت دولت های غیر مذهبی بوده است. در شیعه، از لحاظ تئوری، حکومت مشروع، متعلق به امامان است.^۵ ویلیام وات، محقق دانشگاه ادین بورگ، در کتاب اصول گرایی اسلام و مدرنیسم، می گوید:

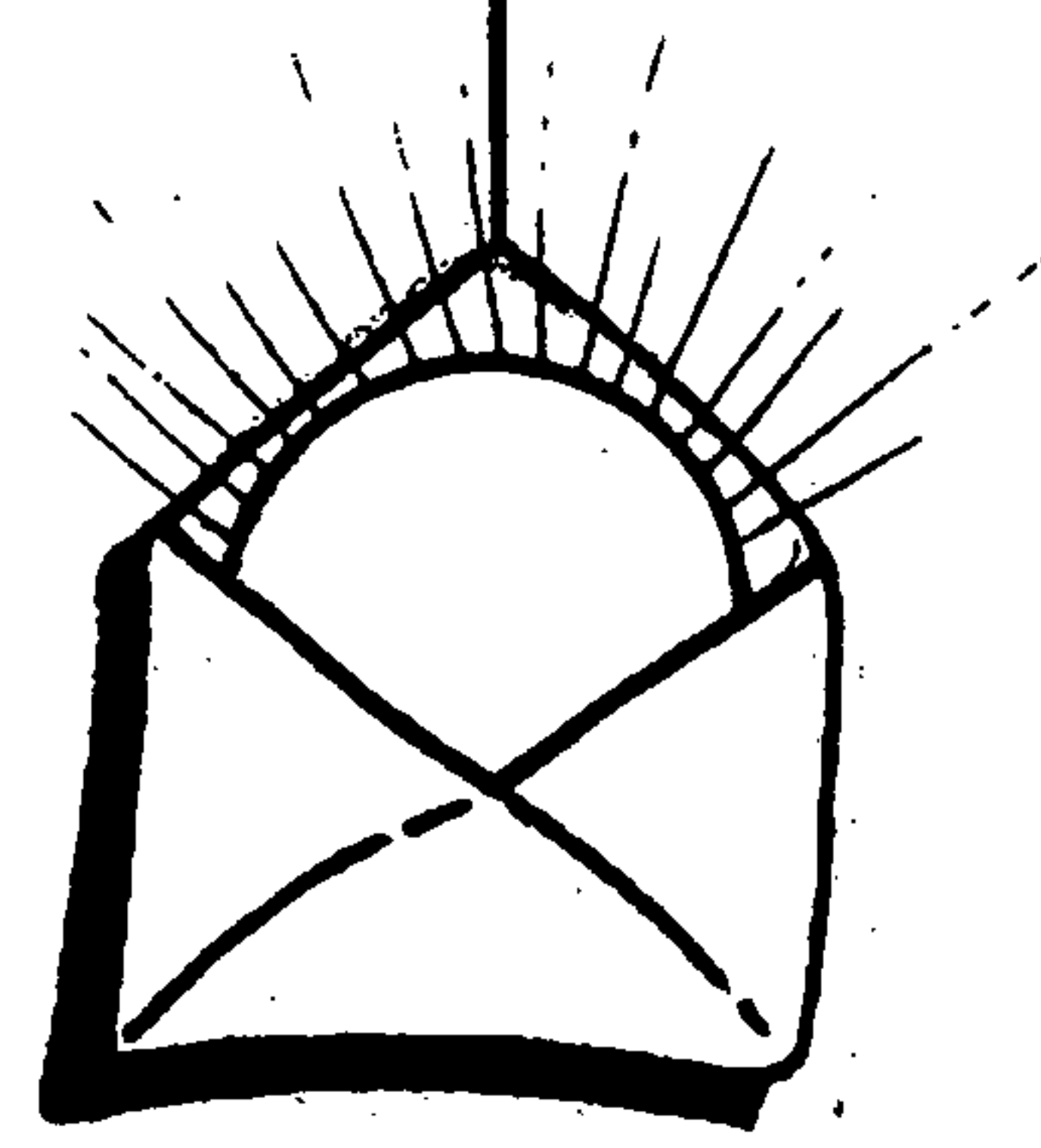
اعتقاد به امامت و مسئله ی انتظار، از جمله ویژگی های تشیع است که در اندیشه ی سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می کنند.^۶

۵- مهدویت، امتداد امامت و تجلی آخرین حلقه از سلسله حلقات آن است. مهدویت، ذخیره ی آخرین هستی، ثمره ی همه ی رسالت ها، منبع همه ی کمالات، سرچشمه ی همه ی خیرات و جلوه گاه همه ی نیکی ها و زیبایی ها است.

مهدویت، قلب تپنده ی حیات شیعه در تمامی قرون و اعصار است؛ مهدویت، باوری عمیق است که ریشه در ساخت و بافت انسان دارد؛ مهدویت، نوید پایانی سبز برای زمان است؛ مهدویت، چشم اندازی است زیبا به جهان آینده و آینده ی جهان و رویکردی جدی و نویدبخش به آینده ی انسان و انسان آینده؛ مهدویت، حقیقت سترگی است که جهان با وجود آن، بر مدار عشق می چرخد، و خورشید، به یمن درخشش نورش، زمین و آسمان را نور باران می سازد؛ مهدویت، آخرین پناه و خاکریز انسان معاصر است؛ مهدویت، اعتقاد به یک منجی و مصلح و یک حکومت جهانی و باور مشترک همه ی ادیان و ندای قلبی همه ی مستضعفان در سرتاسر این کره ی خاکی است؛ مهدویت، رمز پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران است؛ مهدویت، امید و حیات و زیبایی و عشق و شور و نشاط و در یک کلمه، همه چیز ما است.

يابن الحسن روحی فداک! متی ترانا و نراک!

۶- فقها، حضون اسلام^۷ و حجّت و پناه مردم در عصر غیبت اند.^۸ فقها، نابیان و راهبران مردم در عصر خیرت اند. صفحات تاریخ هزار ساله ی شیعه در عصر غیبت، و امدار علما و فقها - این نابیان عام امام (علیه السلام) - است که با ثار و ایثار و حماسه و عرفان خود، حیات فکری



انتظار

۸

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

و سیاسی شیعه را رقم زدند.

نگاهی به کارنامه‌ی هزار ساله‌ی علما و مرجعیت شیعه، این دژهای تسخیرناپذیر و سنگربانان حریم تشیع، این رهبانان شب و شیران روز و ناخدایان کشتی شیعه در تندباد حوادث روزگار و مبارزات فکری و سیاسی آنان، از کلینی و شیخ مفید و شیخ طوسی گرفته تا شهیدین و نراقیین، تا شیخ انصاری و میرزای شیرازی، تا میرزای نایینی و امام خمینی، رحمة الله علیهم أجمعین، گویای «العلماء ورثة الأنبياء» و برگی زرین در تاریخ حیات مسلمانان بل تمامی بشریت، از آغاز تا امروز است.

تاریخ درخشان علما و مرجعیت شیعه، امتداد تاریخ انبیا و اولیا است.

۷- امام راحل، نایب امام زمان (عج) و روح خدا بود در کالبد فسرده‌ی زمان و هدایت بزرگ الهی در قرن غفلت.

او، یادگار همه‌ی انبیای سلف و علمای گذشته بود. با هیت موسوی و دم عیسوی خود، از ایرانی که مهد فرهنگ بیگانه و پایگاه بیداد شده بود و می‌رفت تا هویت فرهنگی و تمامی هستی خود را، یک جا، با بیگانه به معامله بگذارد، ازدهایی در برابر تمامی قدرت‌های استکباری آفرید، ازدهایی که مسیر تاریخ در قرن غفلت را به گونه‌ای دیگر رقم زد و تمامی ساختارهای دنیا را به هم ریخت.

۸- انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین رخداد اجتماعی قرن بیستم است. پدیده‌ای با این گستردگی و عمق، نه تنها نهادها و نظام‌های یک ملت و یک قوم را در هم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادینی قرار داده، بلکه دامنه‌ی آن، بسی فراتر از یک کشور رفته و تمامی اندیشه‌ها، سیاست‌ها، نهضت‌ها، احزاب سیاسی جهان را به چالشی نو فراخوانده است. این تأثیرها، از آسیا و خاورمیانه گرفته تا قلب اروپا و آمریکا را در بر می‌گیرد.

بهرتر آن باشد که سر دلبران

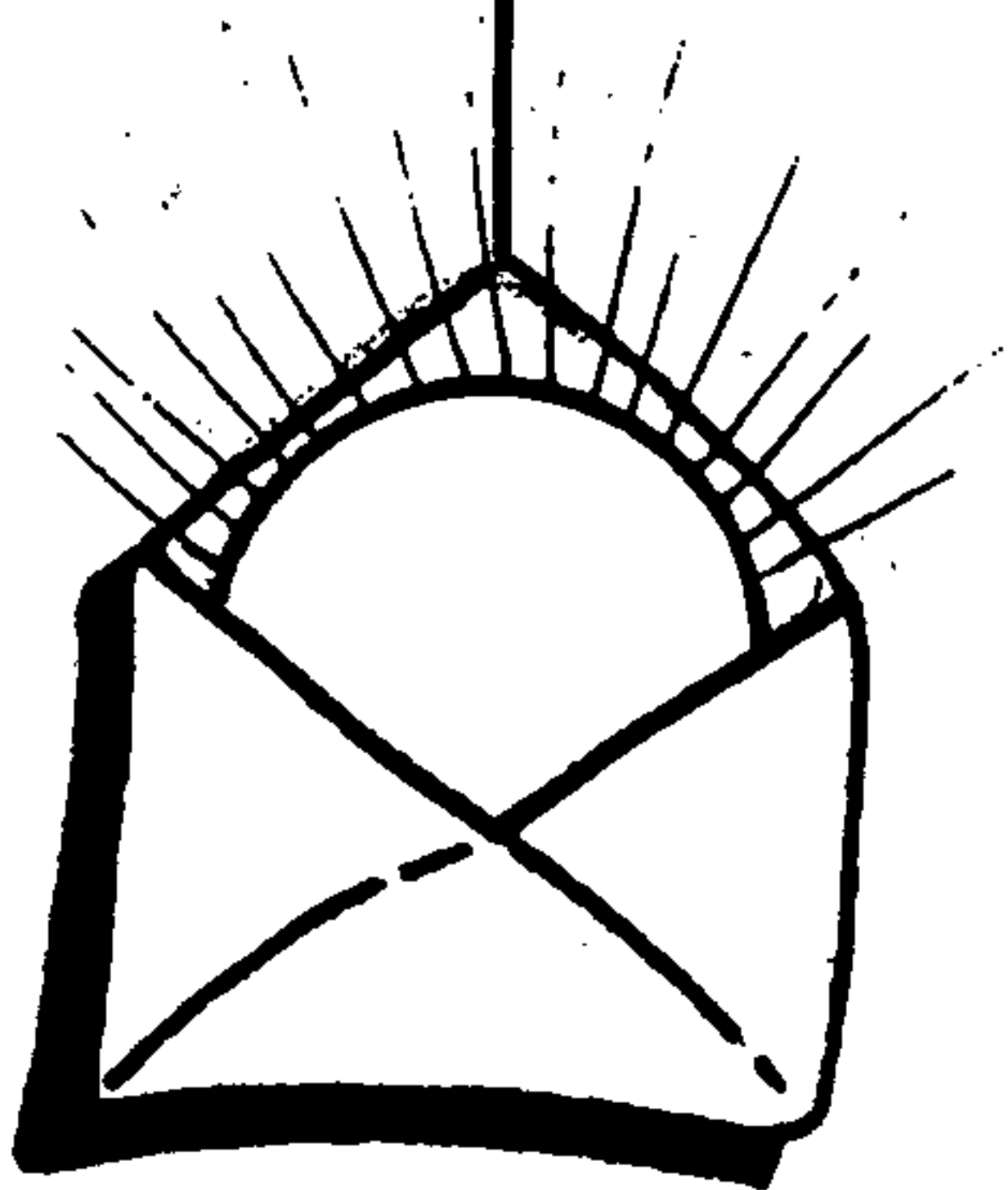
گفته آید در حدیث دیگران

هنری کسینجر، وزیر امور خارجه‌ی اسبق آمریکا:

پیروزی ایران در جنگ، عقاید رادیکال اسلامی را، از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس، گسترش خواهد داد.^۹

شیمون پرز، نخست وزیر سابق اسرائیل:

انقلاب ایران، یک انقلاب بسیار افراطی و خصمانه در قبال اسرائیل است. تجربه‌ی آیه‌الله [امام] خمینی برای ما، یک



انظار

۹

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

تجربه‌ی بسیار تلخ در قرن بیستم به شمار می‌رود.^{۱۰}

موشه دایان، وزیر خارجه‌ی اسبق اسرائیل:

اثرات تحولات انقلاب اسلامی بر روابط سایر کشورها، قابل ملاحظه است.^{۱۱}

مارگارت تاچر، نخست وزیر سابق انگلیس:

ما، غربیان، در دهه‌ی ۱۹۸۰ از وسائل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم؛ زیرا، اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو، مجهز به سلاح‌های نظامی باشند و به ادوات مخرب و ویرانگر مسلح باشند، مانیز به سلاح‌های مدرن مسلح و مجهزیم، لکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران می‌ترسیم.^{۱۲}

ریچارد نیکسون، از رؤسای جمهور اسبق آمریکا:

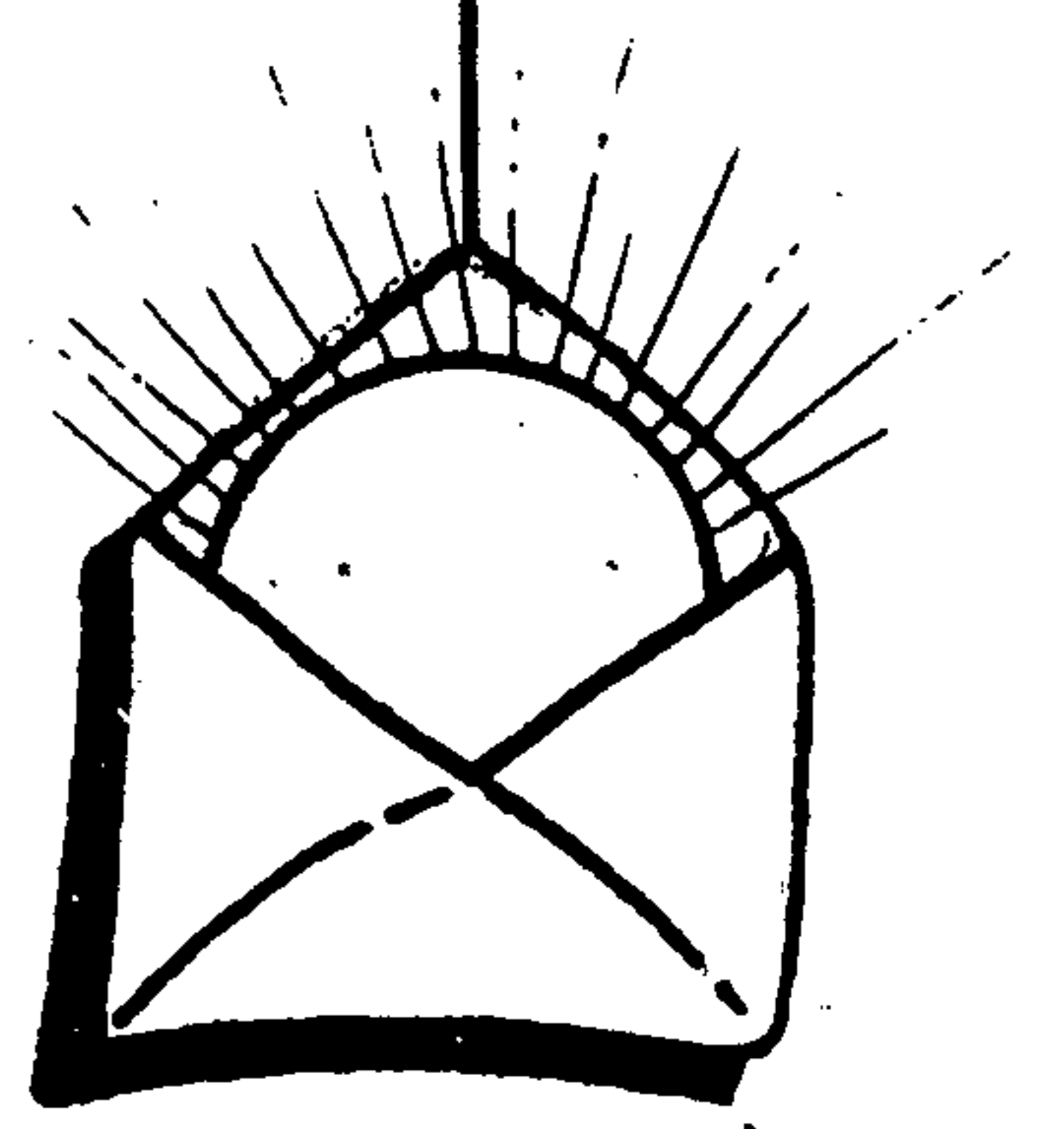
وقتی حکومت شاه در سال ۱۹۷۹م [۱۳۷۵ش] سقوط کرد، یک خلأ قدرت تازه به وجود آمد. انقلاب ایران، در واقع، انقلابی بود علیه ارزش‌های غربی. این انقلاب، همان قدر که از سرمایه‌داری تنفر داشت، از کمونیسم نیز متنفر بود. هر دو را به مانند دوروی سکه‌ی مادی‌گرایی می‌دید. پس از انقلاب، مردم ایران، همان چیزی را به دست آوردند که انقلاب قول داده بود. جای انکار نیست که انقلاب اسلامی یک انقلاب واقعی اندیشه‌ها را ارائه داد و آنان آن را با عشق و ایمان پذیرفتند. آن چه که انقلاب اسلامی به اثبات رسانده و به دنیا بیان کرده، این است که اسلام، شایستگی حاکمیت بر جامعه را دارد؛ زیرا که دین آسمانی است. از این رو، در کشورهای اسلامی - عربی، تاثیر گذاشته است و انقلاب‌هایی که هم اکنون در سایر کشورهای عربی شکل گرفته‌اند، جز ثمر درخت انقلاب اسلامی چیز دیگری نیست. انقلاب، ثمرهای دیگری نیز دارد که اثرات آن را در کشورهای چون تونس، الجزایر، مصر، آذربایجان، کشورهای استقلال یافته‌ی شوروی سابق و سایر نقاط دنیای بینیم، این انقلاب‌ها، نهرهایی هستند که از سرچشمه‌ی جوشان انقلاب اسلامی ایران، در نقاط مختلف جهان، شاخه شاخه شده‌اند. انقلاب اسلامی ایران، تکرار و تجدید نهضت امام حسین [علیه‌السلام] است.^{۱۳}

روزنامه‌ی البعث، چاپ دمشق:

جهان عرب و تمامی جهان، تحت تأثیر رویدادهای ایران قرار گرفته‌اند که در آن تاریخ با خون ملت و با خط راست ملت نوشته شده است.

روزنامه‌ی آمریکایی تایمز:

دنیای غرب، به دلیل انقلاب ایران، ناگهان بار دیگر اسلام را باور کرد. جنب و جوشی که به دنبال انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد، هنوز ادامه دارد. برای اولین بار یک کشور مسلمان، به طور موفقیت آمیز، قدرت بزرگ غربی را به مبارزه طلبید، آن را تحقیر، و خسارت مادی به منافع آن وارد کرد. این مورد، قدرت بزرگ غربی آمریکا بود، و این ضربات، از طریق جنبشی وارد شد که نه به نام ملّی‌گرایی، بلکه بانام اسلام که



انظار

۱۰

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

دارای ریشه‌های قدیمی تر و عمیق تر بود، عمل کرد.

روزنامه‌ی تورنتو استار کانادا ۳۰ آوریل ۱۹۸۴:

سرزمین آیه‌الله روح‌الله خمینی [قدس سره] در میان یک میلیارد مسلمان جهان در خاورمیانه، آفریقا، آسیا، خاور دور، اروپا، آمریکای شمالی، طغیان بر می‌انگیزد. اسلام مبارز، تحت رهبری امام خمینی [قدس سره] پس از قرن‌ها ناشناخته بودن، حیاتی تازه می‌یابد. امام خمینی [قدس سره] نیروهای را آزاد کرده است که ممکن است نمایانگر لبه‌ی تیز بلوک اسلامی مستقلی که ظهور پیدامی کند، باشند؛ یعنی، نیروی سومی پس از سرمایه‌داری و کمونیسم که می‌تواند توازن قوا در دو قطب آمریکا و شوروی را بر هم زده و با اسرائیل نیز مبارزه کند.

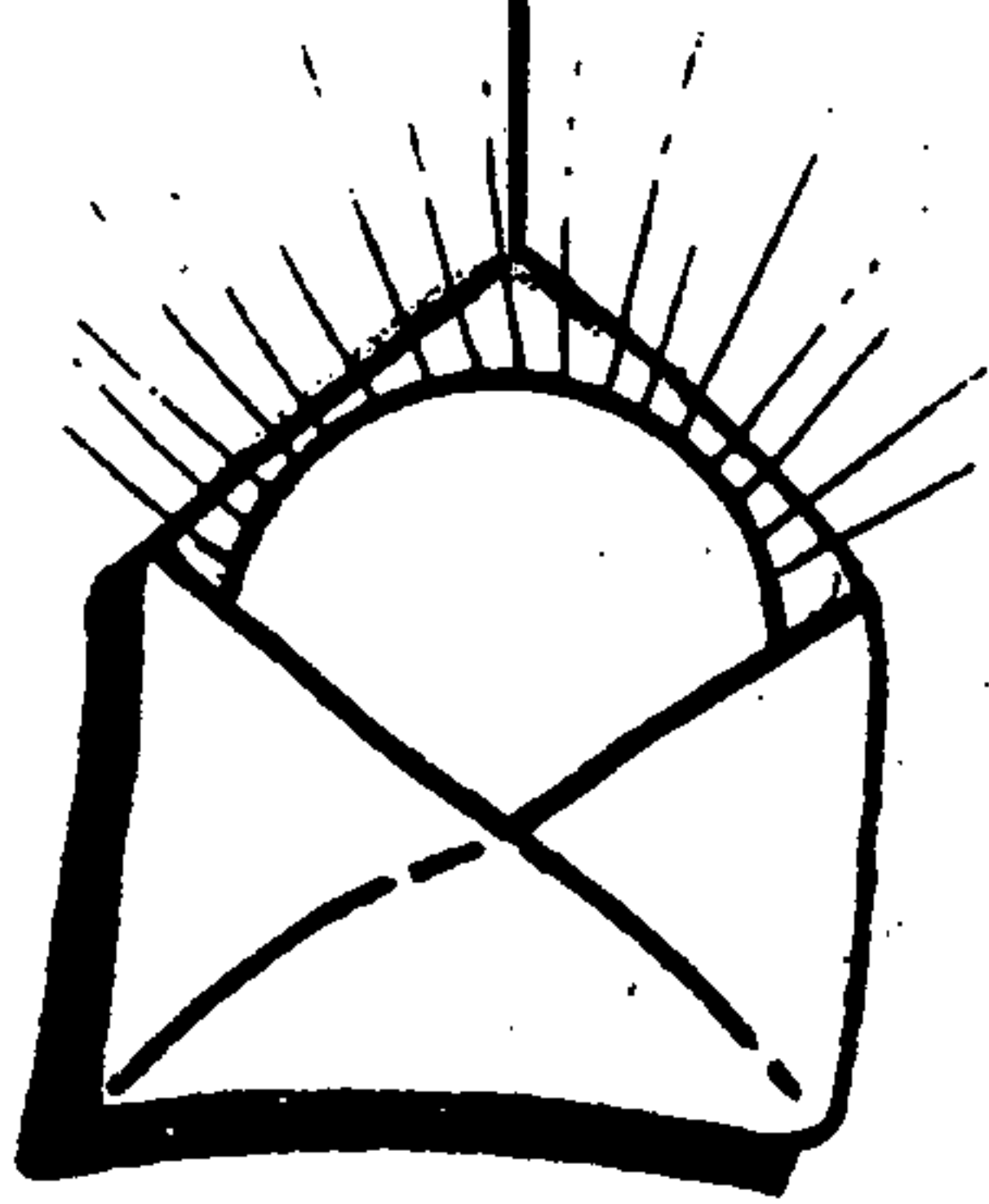
این رژیم، آمریکا را بیرون رانده، شوروی‌ها را عقب نگاه داشته، تحریم اقتصادی غرب را در هم شکسته، عراق را در جنگی چندین ساله فرو برده است. تمام این کارها را به تنهایی و تقریباً در انزوای بین‌المللی و بدون وام گرفتن حتی یک پنی از بازار صندوق بین‌المللی پول انجام داده است.

امام خمینی [قدس سره] در خارج، شخصیتی اسلامی و مردمی یافته که دامنه‌ی نفوذش به تدریج از دایره‌ی شخصیتی دویست میلیون مسلمان شیعه فراتر می‌رود. او، گروهی از پیروان فدایی از میان شیعه و سنی جذب کرده که حاضر به هر گونه عمل تلافی جویانه هستند و در پاره‌ای از موارد، حتی حاضرند در راه اسلام شربت شهادت بنوشند. امام خمینی [قدس سره] شش سال قبل، مانند ستاره‌ای دنباله‌دار به جهان اسلام آمد. امام خمینی [قدس سره] نه تنها ستایش مسلمانان ایران، بلکه توده‌های مسلمان سراسر جهان را در ابعادی بی‌نظیر، بزانگیخته است. پیروزی امام خمینی [قدس سره] در جهان و جنبش بنیادگرایی او، مهم‌تر و قدرت‌مندتر و پر تحرک‌تر و نیرومندتر از آن است که تا کنون در غرب ترسیم شده است.

جنبش اسلامی که در اکثر کشورها توسط پیروان امام خمینی [قدس سره] یا متحدان آن رهبری می‌شود،

در مکان‌های مختلف، خود را به اشکال گوناگون می‌سازد. شیعیان لبنان، در مناطق تحت کنترل خود، سعی می‌کنند با استفاده از هزاران تصویر و پوستر امام خمینی [قدس سره]، چادر پوشاندن زنان و تصفیه‌ی بازارها از مشروبات الکلی و برچیدن مراکز قمار، ایران اسلامی کوچکی به وجود آورند.^{۱۴}

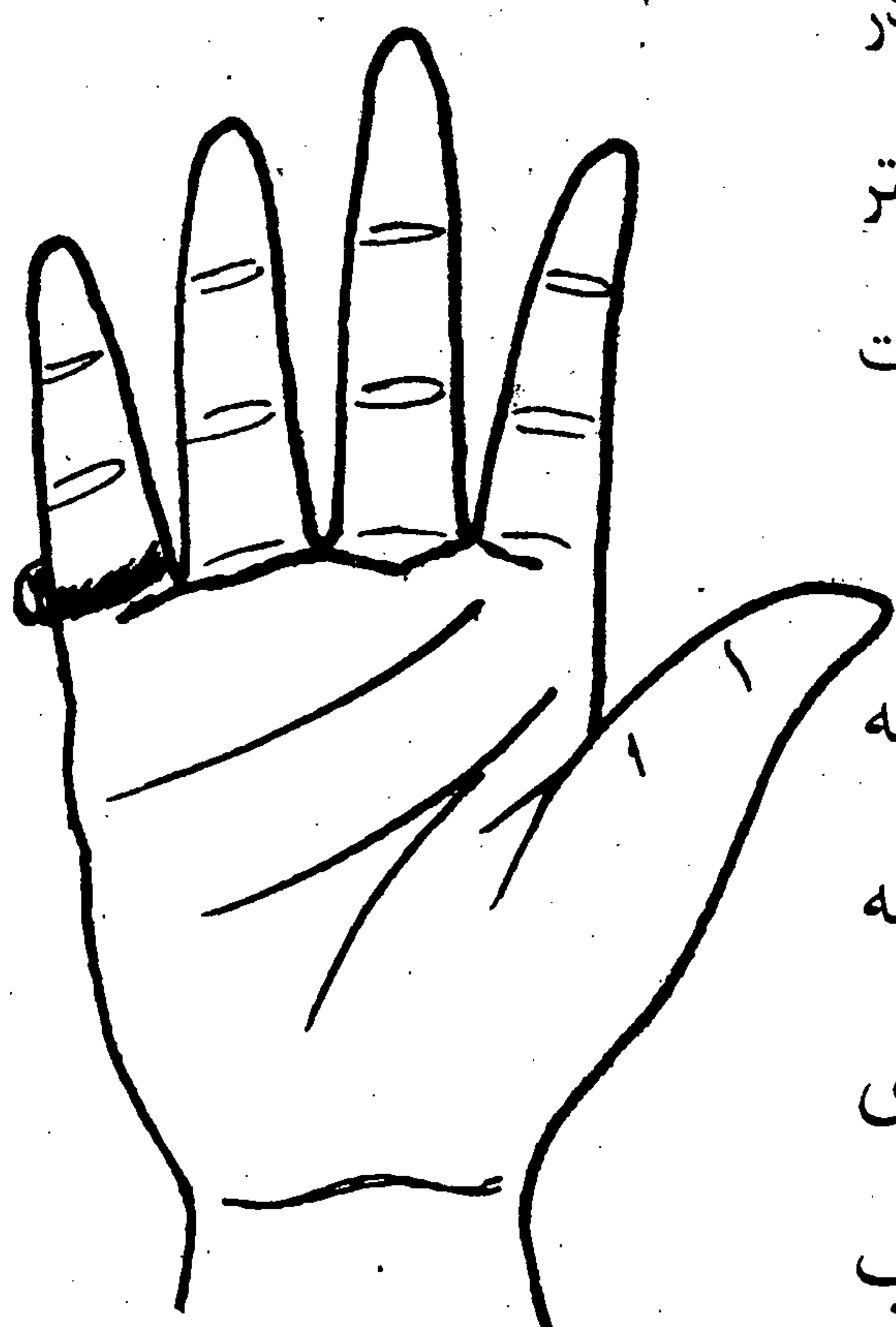
۹- هر انقلابی با این وسعت و عمق و با این اهداف و شعارها که بر خرابه‌هایی دو هزار و پانصد ساله بنا شود و بار جنگی هشت ساله را به دوش کشد، بدون تردید، در معرض مشکلات و آسیب‌های فراوان قرار می‌گیرد. به خصوص آن جا که تو داعیه‌ی صدور انقلاب



انظار

۱۱

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



و حمایت از فلسطین و همه‌ی گروه‌های آزادی‌بخش و مستضعفان عالم را هم داشته باشی، که در این هنگام، دشمن، آرام نمی‌نشیند و با ترویج شبهات و شبهوات و بدعت‌ها، و در نهایت، هجوم مستقیم، با تو درگیر می‌شود.

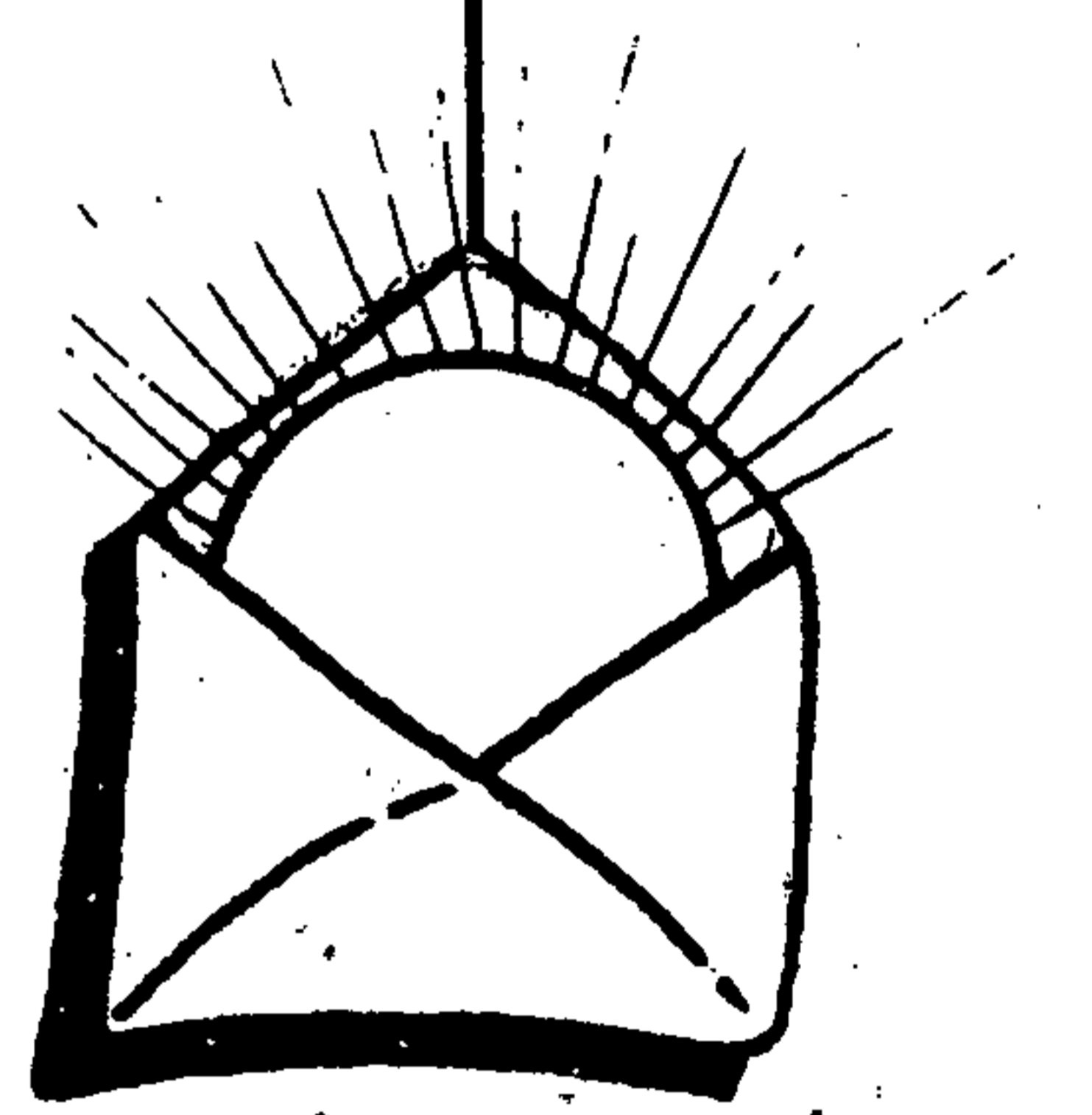
در برابر انقلابی با این وسعت و عظمت و با این انبوه مشکلات و دشمنان داخلی و خارجی، بهترین موضع‌گیری، گفته‌ی آن استاد فقید است که گفته بود: «توجیه، حماقت، و تضعیف، جنایت، و تکمیل، رسالت ما است.»

باید آموخت که اشتباه را از هیچ کس و از هیچ مقامی توجیه نکنیم. به گفته‌ی امام راحل، انقلاب، به هیچ کس و هیچ دسته‌ای، دینی ندارد. تضعیف این انقلاب نیز جنایتی نابخشودنی است؛ چون، به گفته‌ی همان استاد، انقلاب، تنها کشتی نجاتی است که در این دریای موج و طوفانی و این دنیای و انفسا قرار دارد. سوراخ کردن این کشتی، مرگ خود، بل ناامید کردن همه‌ی مستضعفان و آزادی‌خواهان این کره‌ی خاکی است. رسالت ما و همه‌ی آگاهان و دل‌سوزان، تکمیل ضعف‌ها و کمبودهای انقلاب است.

هر کس در هر کجا هست، چه داخل و چه خارج، باید از انجام هر کاری که می‌تواند در جهت تکمیل این انقلاب بکند، دریغ نرزد و کوتاهی نکند که بی هیچ تردید، از این نعمت و این مسئولیت بزرگ، از آنان سؤال خواهد شد: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»،^{۱۵} «وقفوهم انهم مسؤولون».^{۱۶}

البته، پر واضح است که رسالت تکمیل هر کس، به حسب خود او است. رسالت یک مسئول بلند پایه‌ی نظام، غیر از رسالت یک فرد عادی است: از یکی، طرح و برنامه و قاطعیت و ساده‌زیستی و حلم و... می‌خواهند و از یکی، دفاع‌زبانی و شرکت در راه‌پیمایی، و از دیگری، انصاف در معامله یا مشکل‌گشایی و یا جدیت در تحصیل و درس و بحث.

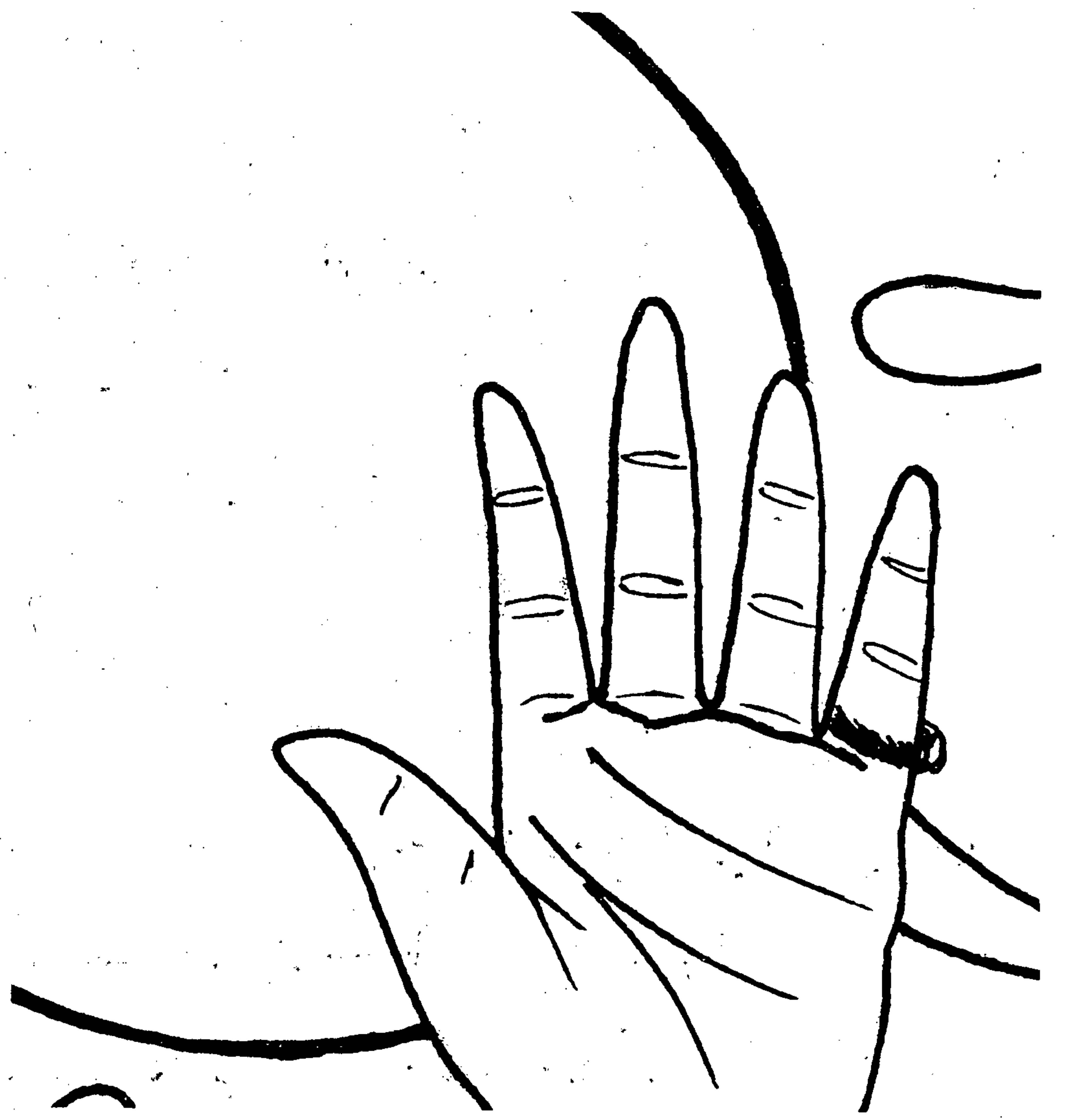
این دهان‌هایی که امروز به رذالت یا جهالت، علیه انقلاب و روحانیت باز شده، باید بدانند، خواسته و ناخواسته، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و در مسیر طرح و نقشه‌ی آنان قرار گرفته‌اند؛ زیرا، آن چه که امروز همین مسئولان انجام می‌دهند، کاری است کارستان که بسیاری، از زیر آن شانه خالی کردند! این نظام مقدسی که امروز با تکیه بر خویش و با توجه به خدا، این گونه به حل مشکلات و گرفتاری‌ها پرداخته است، پس از به بن بست نشستن تمام نظام‌ها و تمام زد و بندها با قدرت‌های گوناگون، بر سر کار آمده است و دارد با تمام کارشکنی‌ها، کارهایی را انجام می‌دهد که آنان با تمام حمایت‌ها از آن ناتوان بودند. و به بن بست رسیده



انظنار

۱۲

بودند و چاره‌ای جز فرار نداشتند.
این، یک حقیقت آشکار است
که تمام گروه‌ها، بر فرض ائتلاف،
نمی‌توانند کار همین‌هایی را که با
دست تنها و این همه خراب‌کاری و
دشمنی و نامردی، مسئولیت را
پذیرفته‌اند، عهده‌دار شوند! این حرف
که «دیگران در شرایط امروز ایران،
بہتر می‌توانند کارگشا باشند»، یک
شعار و یک فریب بیش نیست، ولی



این حرف که «همین مسئولان، می‌توانند بہتر از این کار کنند و از اشتباهات خود درس بگیرند»،
سخنی حق است که مقام معظم رهبری هم بارها بر آن تأکید کرده‌اند.

۱۰- هر انقلابی، عوامل رشد و انحطاط و رکود دارد. شرط بقای هر انقلاب، شناسایی
مدام این عوامل و به کار بستن و یا جلوگیری از آن‌هاست.

بر زعمای قوم و دل‌سوزان و برنامه‌ریزان انقلاب است که مدام، در صدد شناسایی هر
یک از این عوامل، و اقدام مناسب مطابق آن‌ها باشند. از همه‌ی این عوامل، در جای دیگری
باید گفت و شنود کرد.^{۱۷}

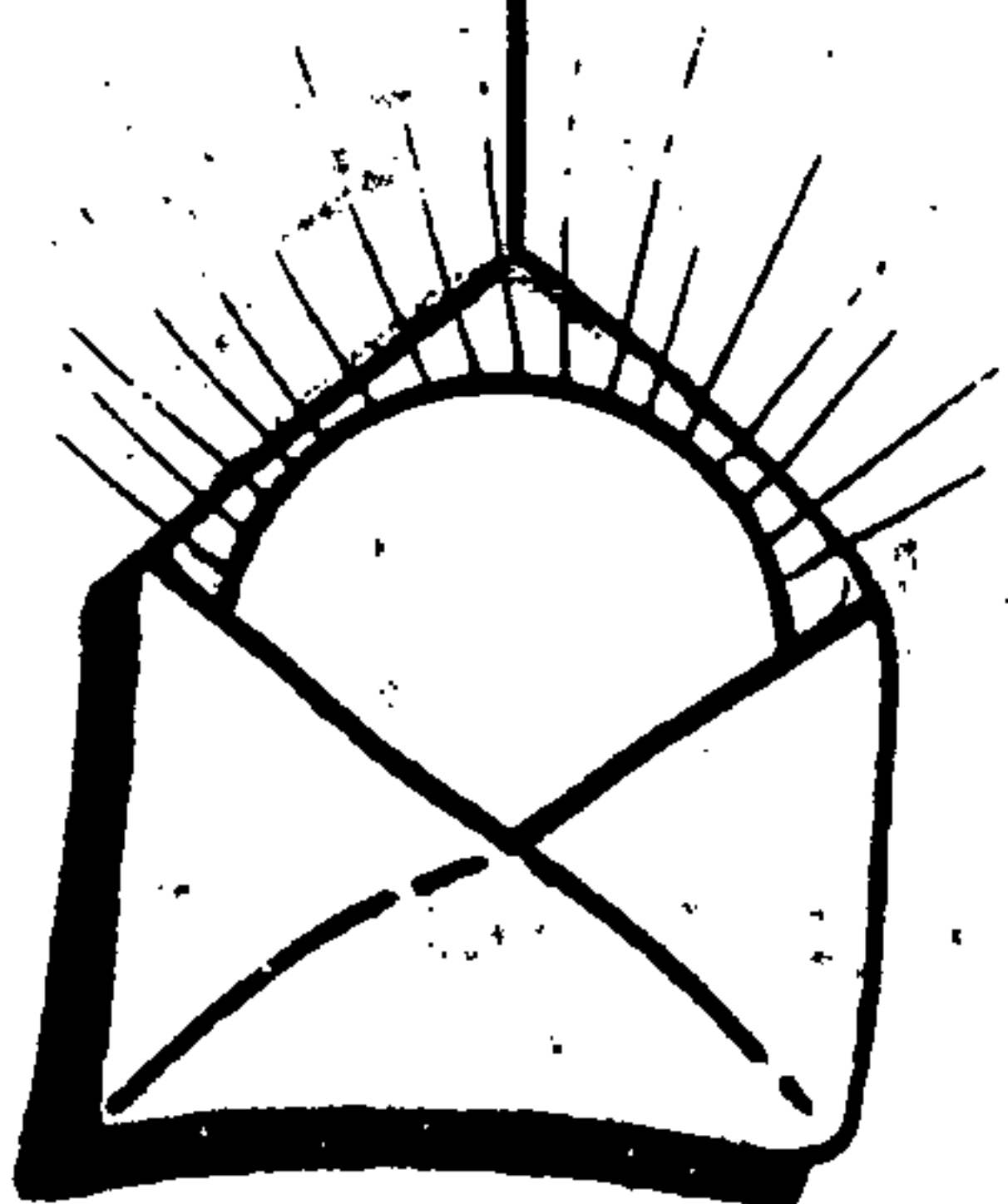
۱۱. مقوله‌ی مهدویت، به خاطر دارا بودن ویژگی‌های متعدد، یکی از توان‌مندترین عوامل
رشد جامعه‌ی دینی ما است. طرح صحیح این مقوله و گسترش این فرهنگ در سطح جامعه،
بدون تردید، باعث شکوفایی هر چه بیش‌تر جامعه و حفظ آن از در غلتیدن در فسادها و تباهی‌ها
است.

آن چه که باعث می‌شود تا فرهنگ مهدویت به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کلان در
صحنه‌ی رشد جامعه‌ی ما باشد، دلائلی چند است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- ریشه‌های عمیق در باور و اعتقادات مردم و عشق ورزی به آن؛

۲- پشتوانه‌ی فکری و برخوردارگی از مبانی قوی و عمیق؛

۳- سفارش و تأکید فراوان بر این مسئله‌ی حیاتی (وجود ادعیه‌ی فراوان و قریب به هفت
هزار روایت) تا آن جا که در باب هیچ یک از موضوعات دینی و آموزه‌های آن، تا این اندازه



آنظر

۱۳

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

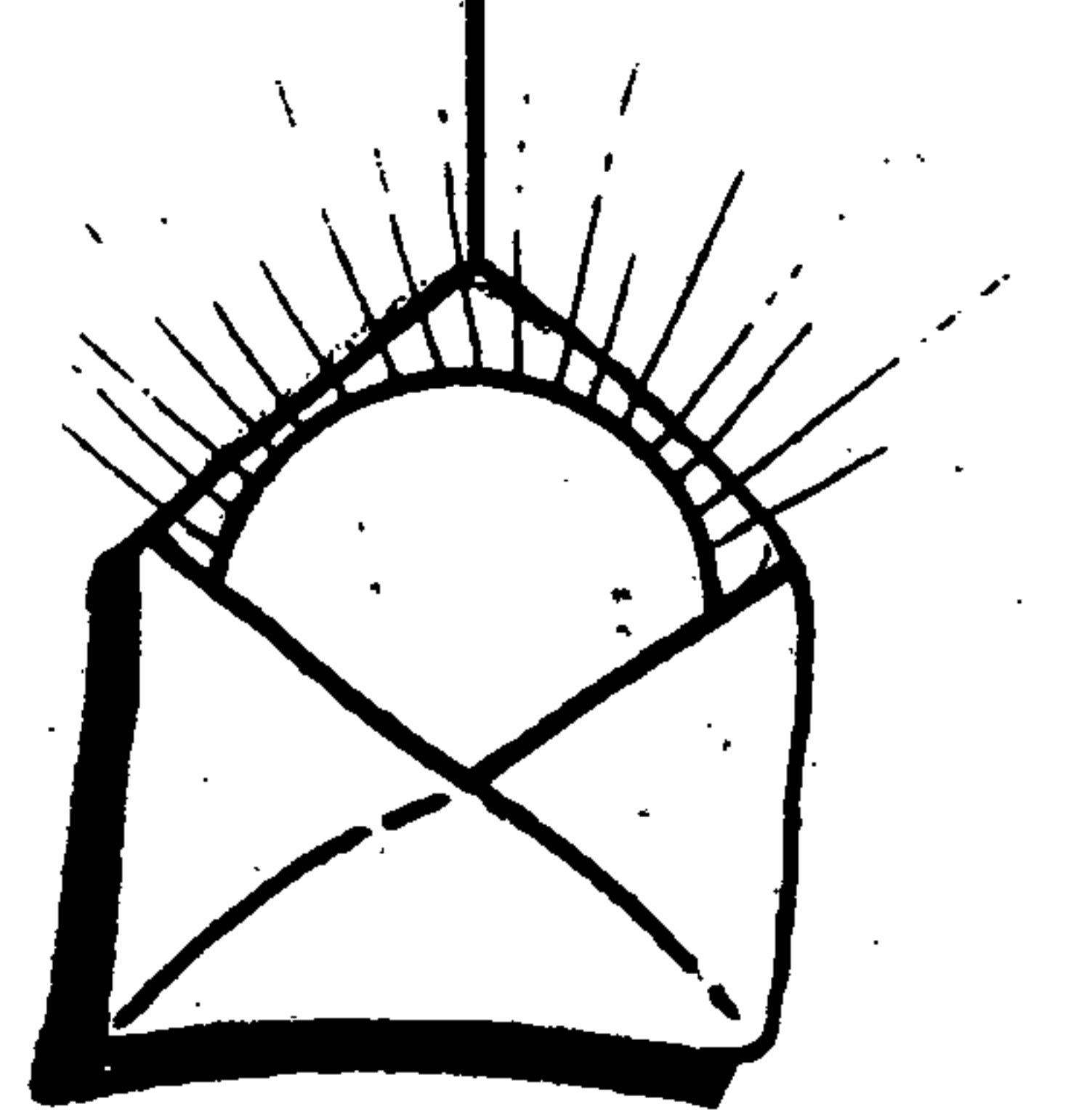
روایت وارد نشده و بر آن سفارش نشده است؛
۴- بنیان و اساس نظریه‌ی ولایت فقیه؛
۵- تاریخی کهن و ریشه دار و سراسر مبارزه و شهادت؛
۶- هماهنگی با فطرت و ساخت و بافت انسان؛
۷- احساس برانگیز و شورآفرین (به خاطر ترسیم آینده‌ای زیبا و دمیدن روح امید در انسان‌ها)؛

۸- رویکردی جدی و قوی به آینده؛
۹- همنوایی با ادیان و مذاهب و همسویی با عطش جهانی به ظهور یک منجی الهی و مصلح کل؛
۱۰- وجود امام و رهبری زنده، تلاش کننده، مهربان، فریادرس و پاسخگو؛
۱۱- نقش ایرانیان (با توجه به روایات متعدد) در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) و یاری آن حضرت؛
۱۲- تحقق انقلاب اسلامی ایران به عنوان ظهور صغرا و پیش مقدمه‌ی ظهور کبرای امام زمان (عج)؛

۱۳- حضور و کلا و نایبانی وارسته و پرنفوذ؛
۱۴- ناامیدی و سرگردانی جامعه‌ی جهانی به خاطر شکست مکاتب و ایسم‌های مختلف از یک طرف، و گسترش جنگ و فریب و ظلم و زیاده‌طلبی به خصوص از سوی آمریکا و اسرائیل از طرف دیگر؛

۱۵- جهانی بودن؛
۱۶- طرح نظریه‌هایی در باب «پایان تاریخ» و یا «جهانی سازی» و به عنوان تنها نظریه‌ی رقیب، با رویکردی نو و تکیه بر مبانی و اهداف و آثار خاص خود؛
۱۷- ترسیم و تصویری زیبا و واقعی و قابل دفاع و قابل وصول از آینده‌ی انسان و جهان و پایان تاریخ؛

۱۸- هماهنگی با سنت حاکم بر تاریخ و جوامع؛
۱۹- ریشه داشتن در فرهنگ ایرانی؛
۲۰- توانایی در بسیج توده‌ها؛
۲۱- وجود یاورانی عاشق، بیدار، بسیجی، شهادت طلب؛
۲۲- الگو بودن دولت مهدی (عج) و قرار گرفتن آن به عنوان اهداف راهبردی نظام در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی؛



انظار

۱۴

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

۲۳- تسریع در ظهور آن حضرت که ظهور همه زیبایی‌ها است. «اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج؛ فان ذلک فرجکم»؛^{۱۸}

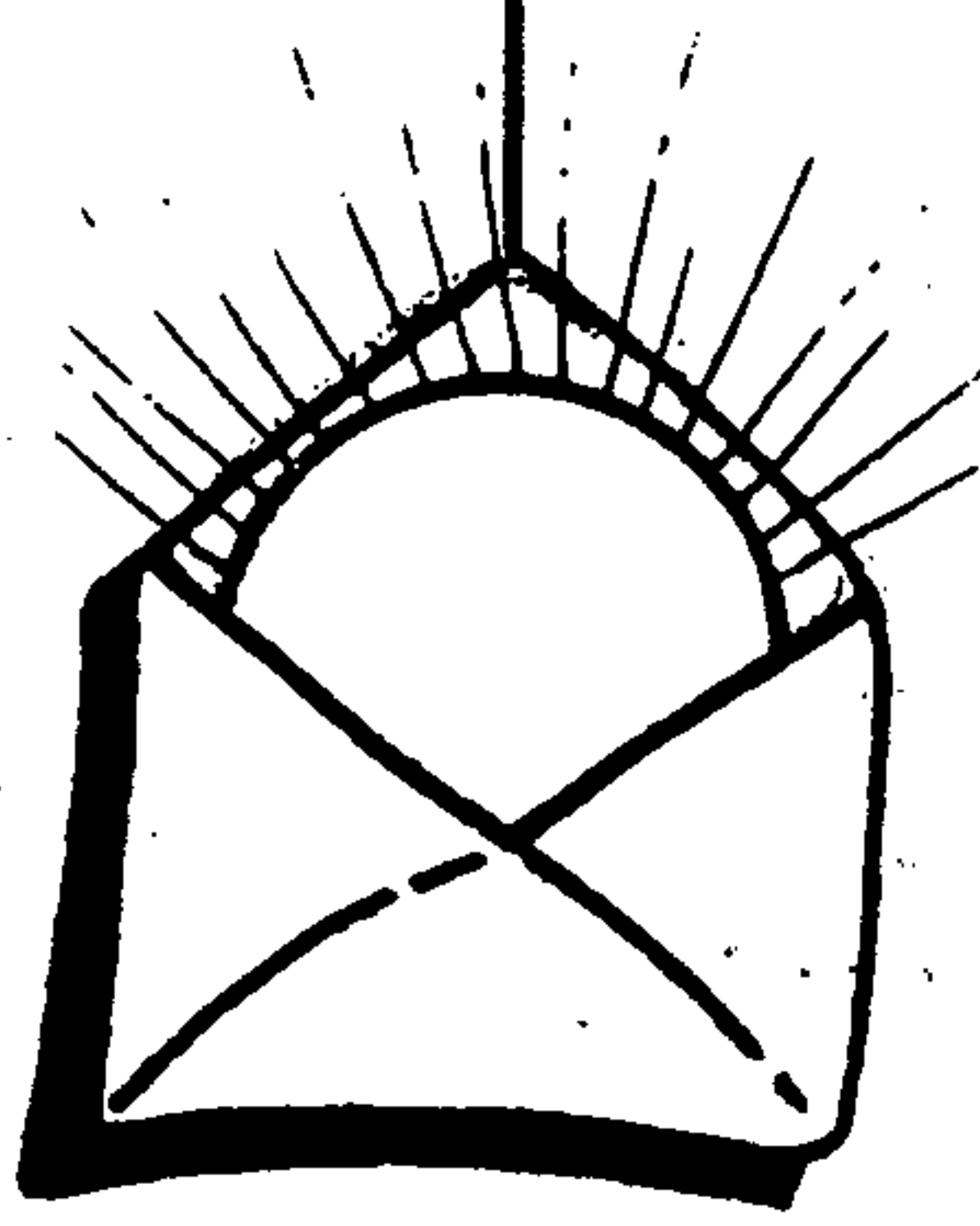
۲۴- قرار داشتن ایران در کانون حوادث و تحولات و احتمال رویارویی با آمریکا، به خصوص با توجه به سیر حوادث اخیر و احتمال حمله‌ی آمریکا به عراق و به تبع آن، درگیری با ایران؛

۲۵- بشارت‌های ظهور و ذکر علائم و نشانه‌هایی که برخی از آن‌ها تحقق یافته و برخی دیگر گرچه قابلیت تطبیق بر موارد متعدد دارد، اما شاید (البته به شرط عدم توقیت و این که وقتی معین نگردد که «کذب الوقاتون») بتواند خبر از نزدیک بودن فرج هم باشد که انهم یرونه بعیداً و نراه قریباً.

از جمله‌ی علائم ظهور، قرار گرفتن عراق و منطقه خاورمیانه به عنوان کانون تحرکات است. البته جدای از روایات، بررسی سیر حوادث اخیر نیز ما را به همین نتیجه می‌رساند. از این رو، تحرکات اخیر آمریکا و هم‌پیمانان‌اش را باید با تیزبینی و جدیت بیش‌تری تعقیب کرد و آماده‌ی بازتاب‌های گسترده‌ی آن بود. همه‌ی قرائن، دلالت بر این دارد که یکی از اهداف عمده‌ی آمریکا از این همه تحرکات و لشکرکشی‌ها، ایران اسلامی است.

آن جا که عزیز مصر بر اساس یک خواب به تکاپو می‌افتد و با کمک و مدیریت حضرت یوسف (علیه السلام)، مردم را از قحطی و نگرانی می‌رهاند و یا فرعون بر اساس خوابی که تعبیر به آشفتگی شده، برای حفظ قدرت خود، شکم‌ها و سرهایی را به دیوار می‌کوبد، آیا جای نداشت و یا ندارد که ما با این همه روایات و شواهد و قرائن و قرار داشتن در کانون بحران از خیلی پیش‌ترها به فکر می‌بودیم؟

ایجاد آمادگی فکری و روحی در جامعه، آمادگی نظامی، تهیه‌ی ارزاق عمومی، ساخت سنگر، اجتناب از اختلاف، حفظ وحدت، بها دادن بیش‌تر به بسیج، دیپلماسی فعال و به کارگیری تمام ظرفیت‌ها جهت بسیج همه‌ی مسلمانان جهان، افزایش توان معنوی جامعه و توجه و توسل بیش‌تر به حضرت حجت (علیه السلام)... از حداقل کارهایی است که می‌توانیم انجام دهیم. از میان این‌ها در این شرایط خاص، آمادگی نظامی از اهمیت دو چندانی برخوردار



انظار

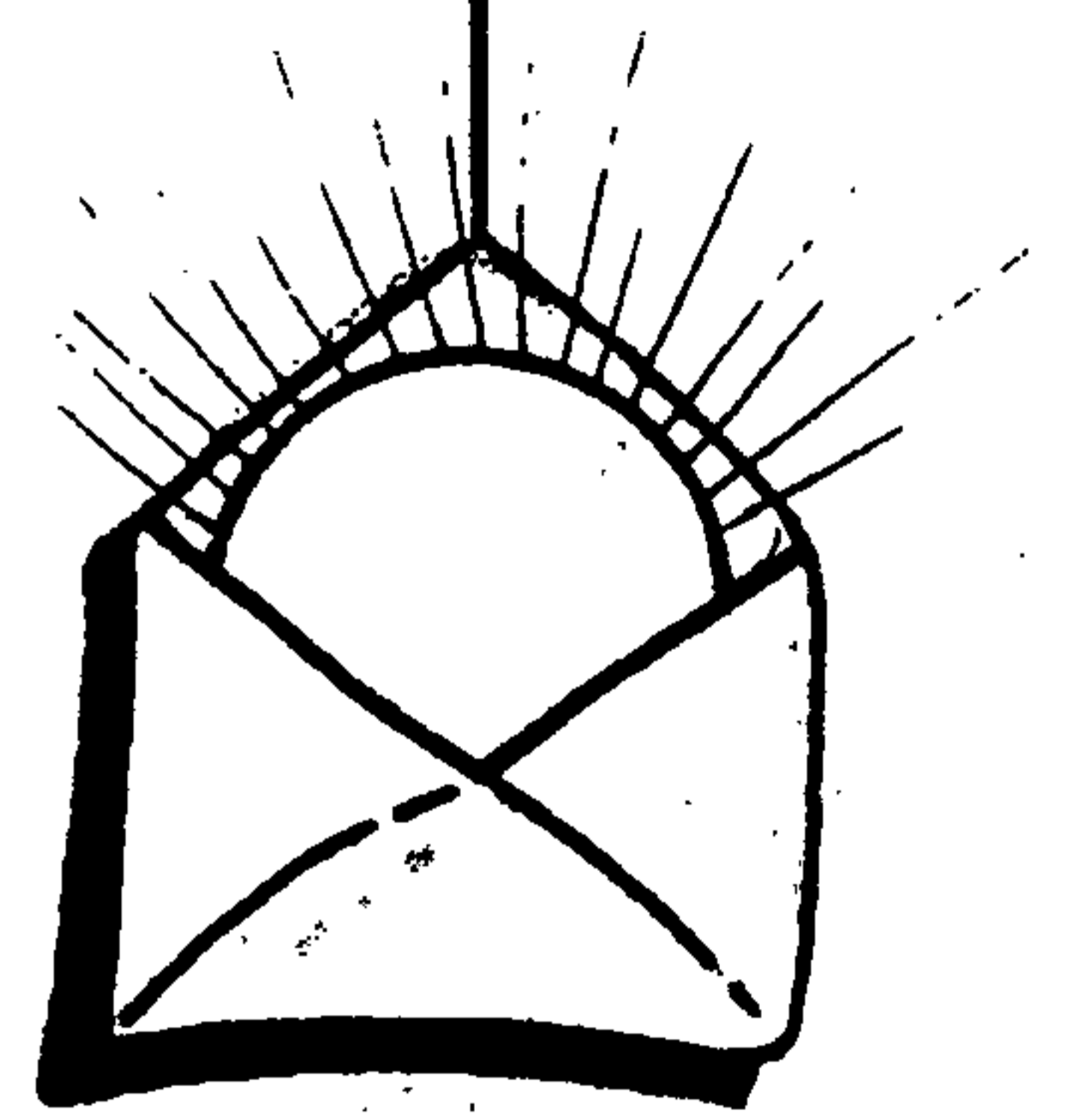
۱۵

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

است که به قول یکی از همانان که در نطق تبلیغاتی خود گفته بود: «خرسی، در جنگل است. دیدن اش برای بعضی ها، آسان است، و برخی هم اصلاً آن را نمی بینند، و بعضی می گویند: «خرس، رام و بی آزار است» و برخی دیگر می گویند: «شروراست و خطرناک» و چون نمی دانیم حق با کدام دسته است، شرط عقل آن است که مثل خرس نیرومند باشیم».^{۱۹}

بگذر از این که این بار، خرس، مبدل به ازدهایی خون آشام و یکه تاز شده و از شرارت و خطر گذرانده، دیوانه ای است از زنجیر رها شده، پس شرط عقل، همان است که قرآن گفته است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»^{۲۰} و راه همان است که او نشان داده: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ»^{۲۱} و «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ»^{۲۲} و «إِنْ تَنْصُرِ اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ»^{۲۳} و «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^{۲۴} و «أَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ».^{۲۵}

● سردبیر



انتظار

۱۶

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

- ۱- ۴۸ (فتح): ۲۹.
- ۲- به شهادت آیه ی اکمال، دین مرضی خدا پسند، دین همراه مقام ولایت است: «الیوم أكملت... ورضیت لكم الاسلام دیناً» [مائده: ۴]
- ۳- ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و...، ص ۲۲۹.
- ۴- ر.ک: مبانی اعتقادی مهدویت، پورسید آقایی، (فصلنامه ی انتظار، شماره ی ۱، ص ۵۲-۶۴).
- ۵- سیری در نظریه های جدید در علوم سیاسی، بشیریه، ص ۱۲۰.
- ۶- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، ص ۱۳۰.
- ۷- الفقهاء حصون الاسلام (کافی، ج ۱، ص ۳۸، ح ۲).
- ۸- وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا؛ فانهم حجتي عليكم وأنا حجة الله. (وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۰۱؛ کمال الدین، ص ۴۸۴).
- ۹- کیهان، ۶۳/۱۱/۱۷.
- ۱۰- کیهان، ۶۳/۱۱/۱۷.
- ۱۱- اطلاعات، ۶۳/۱۱/۱۴.
- ۱۲- پیام انقلاب، ش ۲۶، ۶۹/۱۱/۲۷.
- ۱۳- پیروزی بدون جنگ، ریچارد نیکسون، ترجمه ی دکتر جعفر ثقة الاسلامی.
- ۱۴- به نقل از بررسی مطبوعات جهان، وزارت ارشاد، ش ۶۲، ۶۳/۶/۲.
- ۱۵- ۹۳ (ضحی): ۱۱.
- ۱۶- ۳۷ (صافات): ۲۴.
- ۱۷- چه خوب است مرد یا مردانی، این عوامل را در قرآن و روایات و با تحقیقاتی میدانی، پیگیری کنند (لویه عنوان پایان نامه) و مردانی مردتر، برای اجرای آن در سطح جامعه ی امروز ما، برنامه ریزی کنند.
- ۱۸- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.
- ۱۹- تبلیغ انتخاباتی ریگان از تلویزیون، پاییز ۱۹۸۴ (به نقل از رویارویی بزرگ، لسترتارو، ترجمه ی عزیز کیاوند، ص ۱۳).
- ۲۰- ۸ (انفال): ۶۰.
- ۲۱- ۱۰۹ (کافرون): ۱، ۲.
- ۲۲- ۹ (توبه): ۱۲.
- ۲۳- ۴۷ (محمد، صلی الله علیه و آله): ۷.
- ۲۴- ۲۸ (قصص): ۵.
- ۲۵- ۱۱ (هود): ۸۱.